

## صغار وتبه کاری

— ۴ —

### سبب تبهکاری کودکان

در شماره های پیشین انواع تبه کاری کودکان و اقسام بیماریهای آنها را که کودک مبتلی بآن بیماریها را مستعد تبه کاری مینمود نوشتیم اینک سبب تبه کاری کودکان را مطالعه مینمائیم. — البته در اینجا باجمال پرداخته و عقاید و آراء طبی را کاملاً بحث نخواهیم کرد زیرا در این رشته سخن منظور جنبه قانونی تبه کاری کودک است و کمتر فرضیه ها و عقاید طبی که جنبه علمی محض دارند مورد بررسی قرار میگیرد

#### ۱- تأثیر ارث

در آزمایش های روحی کودکان تبهکار و پسرشهایی که از سوابق خانوادگی آنها شده نتیجه گرفته اند که بیشتر کودکان تبه کار دارای سوابق ارثی مرضی میباشد نقایص روحی که موجب ضعف نیروی مقاومت کودک است و او را وادار به تبه کاری مینماید بیشتر اوقات از پدر و مادر با هر دو به کودک ارث رسیده است. اگر امروز دیگر فرضیه «تبهکار فطری» چندان طرفدار ندارد منکر این نیز نمیتوان شد که تمایلات ابداء و آسیب رساندن و بالاخره روح تبه کاری نزد برخی کودکان نتیجه روحیه پدر و مادر هنگام انعقاد نطفه میباشد. تمام دانشمندان فن شواهد و امثالی آورده و این مسئله را ثابت نموده اند. انتقال ارثی بعضی از امراض اعصاب با وجود نقص عقل نزد کودکانی که پدر و مادر بایکی از

آنها ناقص العقل بوده اند و بالاخره مشاهده اختلافات عقلانی نزد کودکان کسانی که خود این اختلافات را دارا بوده اند مجوز میدارد که بسیاری از امراض روحی ارثی است و یا لااقل استعداد مرضی مخصوصی ارثاً از ابوین بفرزندان منتقل میشود. این انتقال ارثی بیماریهای روحی ممکن است عینی باشد بدین معنی که همان نوع پریشانی روحی که والد به آن دچار بوده در فرزند مشاهده میشود مثلاً «حساسی» (۱) «پریشان خیالی دوره» (۲) «پارانویا» (۳) و «کزخونی» (۴) عیناً نزد فرزندان مشاهده میشود. استعداد مخصوص تبهکاری یا تبهکاری فطری نیز از جمله مسائل ارثی عینی است. وجود تبهکاران و نابکارانی که پدر در پدر تبه کاری نموده اند از مشاهدات روزانه است.

انتقال ارثی عینی یا مستقیم (عین مرض روحی ابوین به فرزند منتقل میشود) کمتر از انتقال ارثی غیرمشابه یا غیرمستقیم مشاهده میشود بدین معنی که مرض روحی ابوین از هر نوع که باشد نزد فرزند به صورت استعداد به تبه کاری متظاهر میشود. پدر و مادری که تبهکار نبوده ولی بیکی از انواع پریشانیهای روانی دچار میشوند کودکانی خواهند داشت که پریشانی روحی ابوین را ندارند ولی استعداد روحی مخصوصی برای تبه کاری دارند. عبارت دیگر مرض روحی پدر یا مادر نزد فرزند بصورت «تبه کاری» جلوه مینماید.

آنکه «خانواده‌هایی که نفاق و منازعاتی روزانه داشته و یا بین افراد آن جدائی و طلاق پیدا شده کودک تبه کار بار می‌آورند.»

«روینویچ (۲) پس از مطالعه ۶۶۰ صغیر تبه کار

۸۰ درصد تبه کاران را از طبقه چهارم خامه و فقط ۱۷ درصد را از طبقات بالا میدانند. دیگران نیز آماری تهیه و تقریباً به همین نسبت‌ها رسیده‌اند و این خود معلوم میدارد که شهرها و محلات پست و طبقات پائین آن است که کودک تبه کار بار می‌آورد پس تبه کاری صغار اصلی است اجتماعی، بیماری است عاریتی، و درمان آن نیز اجتماعی باید باشد بهیچ دو وضعیت مادی روحی و اخلاقی. پرورش افکار طبقات پائین توده است که میتواند از شماره صغار تبه کار کاهیده جامعه را از نتایج آن در پناه دارد. البته محیط عامل قوی و بزرگی است ولی مانع

تأثیر ارث نیز نمیتواند بود بلکه معمولاً ارث و محیط با هم در تولید بدبختی تشریک مساعی مینمایند. فقر و تنگدستی، نقص عقلانی، جنون، بزه کاری، الکل، کوفت سل، تریاک و غیره همه دست بدست هم داده خانواده‌هایی را ایست و نابود میکنند امراض روحی ارثی موجب شوند که افراد خانواده نتوانند از یک طبقه پائین جامعه بالاتر روند. شرایط بدو زندگی گاهی سخت طبقه پائین جامعه بنوبه خود میراث روحی را شدت میدهد بطوریکه می بینیم دور و تسلسل آید و هر دو ممد هم گشته یک عده تبه کار بجای همه تحمیل میکنند.

تنگدستی و فقر، پراکندگی روح خانوادگی و وجود حرامزاده‌ها همیشه در یک خانواده‌های معینی جمع است و این معلوم دارد که فقط شرایط اجتماعی زندگی گاهی پنهانی موجب این بدبختیها نیست بلکه همواره اختلالات روحی پدر یا مادر و یا هر دو منتج به ایجاد کودک تبه کار میگردد. کلبه‌های محقر و کوچک باسل و الکل و تریاک همراه است و میدانیم که این سه بالای میرم منجر به امراض روحی و توارث آن میشوند. کودک تبه کار در یک چنین خانواده فقیر و تنگدست و آلوده به امراض و اعتیادات

البته تأثیر انتقالات ارثی امراض روحی محرز و مسلم است ولی همیشه این عناصر به پنهانی در سبب تبه کاری کودکان عامل نیستند بلکه امراض عفونی و سمی پدر و مادر نیز به کودک انتقال یافته عامل مهمی در تولید استعداد تبه کاری میشوند. اعتیاد به الکل و بیماری کوفت و سل پدر و مادر. کودکان مصروع، غیر متعادل و غیر طبیعی بار می‌آورند.

تأثیر مستقیم هنگام انعقاد نطفه در تولید فرزند تبه کار غیر قابل انکار بوده و «جنون اخلاقی» (۱) بی شک نتیجه مستقیم پدر و مادر هنگام انجام امر تناسلی است. دیگر از علل تبه کاری کودک کوفت ارثی است که موجب انحطاط روحی و جسمی کودک میگردد. بطور کلی الکل، کوفت و سل این سه بیماری پدر و مادر به صورتی از صورت ارثاً نزد کودک متظاهر گشته و معمولاً کودک تبه کار تولید می نماید.

دیگر از عوامل تولید کودک تبه کار سختی و دشواری زائمان است که موجب فشار و پریشانی‌هایی در روی جمجمه و بالنتیجه در نمو مغز میگردد و این پریشانی در تولید تبه کاری کودک نیز مؤثر است بیماریهای واگیردار و گندزا اگر بر سلسله اعصاب تأثیر کند نیز از اسباب تبه کاری کودک شمرده میشود. ضعف رشد و نمو جسمانی نیز بی تأثیر نیست ولی اگر بخواهیم علل تبه کاری کودک را خلاصه نمائیم میتوان چنین گفت: انتقال ارثی و محیط فامیلی و اجتماعی در درجه اول اهمیت قرار داشته و بیماریهای اکتسابی و غیره در درجه دوم مؤثرند.

## ۲ - تأثیر محیط

تأثیر محیط در تربیت و نمو اخلاقی کودک محل تردید نیست و بررسی در تأثیر محیط‌های مختلف در تبه کاری کودک دو نتیجه مثبت میدهد: نخست آنکه «کودک تبه کار در طبقات پائین و بدبخت اجتماع پیدا میشود» دیگر

سمی پیدا میشود ارثا با خود استعداد مرضی همراه آورده و بعداً زندگی در چنین محیطی آن استعداد را قوت میدهد به بیان دیگر ارث تخم بیماریهای روحی و در نتیجه تبه کاری را میدهد محیط و شرایط اجتماعی زندگی بدین تخم را آبیاری کرده و بزرگ می نماید. به زعم نگارنده این بیان از تاثیر ارث و محیط به حقیقت نزدیکتر است چه با مشاهدات روزانه و آمار وفق میدهد. اگر چه برخی فقط ارث را عامل دانسته منکر تاثیر عوامل خارجی (محیط و غیره) میشوند یا برعکس دسته محیط را عامل موثر و واحدی دانسته بارت توجهی ندارند ولی اینها هر کدام از درجه مخصوصی بحقایق نگر بسته جنبه واحدی را مطالعه کرده اند.

هر کس تمایلاتی غریزی داشته که شدت و ضعف دارد تربیت و امراض توانند برخی تمایلات را شدید بعضی دیگر را ضعیف نمایند و این خود بیان تاثیر محیط در تمایلات و بالنتیجه در تبه کاری است. البته تمایلات غریزی ارثی است ولی بهداشت روحی تواند از انحراف و شدت یافتن تمایلات مودعی جلوگیری نماید.

روح را صحبت ناجس عذابی است الیم. روحیه کودک همچو مومی است بهر شکل که خواهند در آید صفحه پاک دل کودک آماده هر نقش است معاشرت ناجس آنرا سیاه مینماید سرمشق بد او را به تبه کاری می کشاند باشد که ارثاً کوشه از این صفحه دل تیره و تار باشد محیط و تربیت و شرایط خانوادگی خوب بصیقلی کردن بخش های پاک پرداخته توجهی بدان سیاهی ندارد. اما اگر عوامل خارجی بد به همان نقطه تار پرداخته و مسائل بزرگ شدن آنرا فراهم آرند تمام آبگینه دل کودک سیاه و تبه خواهد شد. با این بیان خیال میکنم ربط محیط و ارث را در تبه کاری روشن کرده باشیم.

\*\*\*

پس نتیجه میگیریم که:

۱ - صفات تبه کار از طبقات پائین اجتماعی بر

می خیزند.

۲ - کودکان تبه کار از پدر و مادر یا جداد خویش استعدادی روحی ارث میبرند که در زندگی اجتماعی چون شرایط موافقی یا بند بصورت تمایلات غریزی بسوی تبه کاری متظاهر میشود.

۳ - شرایط احساساتی خانوادگی اجتماعی زندگی کودکان تبه کار خوب نبوده و موجب عکس-العمل های غیر اجتماعی و تبه کاری میشود.

و معمولاً این هر سه عامل اجتماعی، ارثی، روحی در ایجاد کودکان تبه کار موجود است و تعیین اینکه کدام يك از این عوامل بیشتر در تولید تبه کاری موثر بوده کاری است بس دشوار.

و نیز:

۱ - کودکان در نتیجه اختلالات روحی و پریشانیهای اخلاقی تبه کار میشوند.

۲ - در سبب تبه کاری هر کودک عوامل ارثی و شرایط خانوادگی و اجتماعی مؤامماً موثرند.

\*\*\*

منظور قانون از کیفر دادن صغیر تبه کار البته جلوگیری از تبه کاری و ترساندن دیگران است ولی این منظور با کیفر دادن ارفاقی تأمین نمیشود. از اینکه کودکی را در حبس دارالتأدیبی بیندازیم و مدتی او را معاشر با تبه کارانی چون خودش قرار دهیم چه نتیجه میگیریم بهتر آنست کودک تبه کار را در بنگاه ویژه تحت مطالعه و بررسی روحی قرار داد، مسائل ارثی با سوابق خانوادگی و شرایط اجتماعی او را در نظر داشته سعی کنیم سبب تبه کاری او را دریافته بچاره سازی پرداخته کودک قابل اجتماعی پس از گذشتن مدت حبس بجامعه تحویل دهیم در غیر اینصورت تخفیفی در تبه کاری کودک و بالنتیجه در تبه کاری بطور عموم پیدا نخواهد شد و بجای این کار لازم است مانند سایر کشورهای نگاهبانی پزشکی ویژه کودکان تبه کار تاسیس نموده و ماده قانونی مبنی بر لزوم مطالعه و آزمایش روحی نزد هر کودک تبه کار بر قانون کیفر صغار تبه کار بیفزاییم.

تبه کاری تابع قانونی است مگر بهیچوجه استثنائی ندارد .

هر تبه کاری که دو باره در همان شرائط خانوادگی و اجتماعی قبلی قرار گیرد باز هم تبه کاری خواهد نمود .  
بایستی از تبه کاری کودک و بطریق اولی از تکرار تبه کاری او جلوگیری کرد و کیفر دادن قادر بجای گیری از تکرار تبه کاری کودک نیست .

۱ - کودکان تبه کاری که روحاً و اخلاقاً سالم بوده در نتیجه شرایط خارجی بد به تبه کاری پرداخته اند از تنبیه و کیفر دیدن اصلاح نمیشوند اگر آنها را کیفر داده و بعداً در مقابل همان شرایط قرار دهیم دو باره همان شرایط تولید تبه کاری خواهد نمود بجای کیفر این بیچارگان نیازمند حمایت ، دستگیری ، هدایت می باشند .

۲ - اما کودکانی که بیکی از بیمارهای روحی یا اخلاقی که در شمارهای پیشین ذکر کردیم مبتلا هستند بهیچوجه از کیفر دادن آنها نتیجه مثبتی نمیگیریم کیفر یا حبس دارالتادیبی عقل ناقص العقل را کامل و یا

تمایلات منحرف ایشانرا مستقیم نمی نماید اینچنانچه در معالجه تربیت ، حمایت و هدایت چهاره سازی تواند کرد همیشه از بیمار بهائیکه شرح داده ایم با کیفر رفع و علاج نمیشود اینالرا که بیمارند بیمارستانی بایدنهنندان  
برای تأمین این منظور تشریک مساعی میان نمایندگان قانون و پزشکان کارشناس باید تا با هم بر تامة کلی برای حفظ و حراست ، هدایت ، بهداشت روحی و جلوگیری از تبه کاری تظلم و عملی نمایند .

برای سطل مساله تبه کاری کودکان بایستی از دبستان شروع و آزمایش روحی دانش آموزان را در پرورنده پزشکی دبستانی آنان باینگانی کرد تا اگر نقص و عیبی عقلانی یا عدم اعتدالی روحی در کودک مشاهده شود از همان موقع کودک را تحت نظر داشته مراقبت و حمایت نمود . - با حمایت کودکان فقیر معالجه کودک بیمار مراقبت کودک غیر طبیعی از دبستان در تمام مدت زندگی میتوان هم آهنگی کافی در کودک تولید و مانع تظاهرات غیر اجتماعی او گردیده و بدین ترتیب جلوگیری از تبه کاری صغار و بالتبلیغه از تبه کاری بطور عموم نمود .

## در اطراف ماده ۸۳ قانون آئین دادرسی

و تبصره ماده ۱۹ قانون ثبت اسناد و املاک

ماده ۸۳ آئین دادرسی که جانشین قسمتی از ماده ۱۶ قانون آزمایش است موارد و اوزن دادخواست را منحصر نموده است بموردیکه خواهان معلوم نباشد کیست و یا محل اقامتش معلوم نباشد کجا است که در این دو صورت باید بمدیردقتر در مدة دوروز از تاریخ ورود دادخواست آنرا بنظر دادرس رسانیده و دادرسی هم در مدت دوروز قرار و از این آنرا صادر و در مدت ده روز رونوشت قرار مننون که در ضمن علت و اوزدگی است بدیوار دیگر خاله تا آگاه الصاق خواهد (دومورد دیگر از موارد رد دادخواست را مشمول ماده ۸۴ قانون آئین دادرسی قرار داده که از موارد توقیف دادخواست شده است) و چون طبق

ماده ۷۸۹ قانون آئین دادرسی ماده ۱۶ قانون آزمایش منسوخ شده است لذا موضوعی از برای تبصره ماده ۱۹ قانون ثبت اسناد و املاک باقی نمانده و بکلی ملغی - الاثر خواهد بود چه آنکه در تبصره ماده مزبور عیناً در مواردیکه بموجب ماده ۱۶ و ۱۷ اصول محاکمات آزمایش عر منحال رد میشود مفاد این ماده لازم الحاصیه است یعنی همانطوریکه در مورد ابطال دادخواست مستتر حق تجدید دادخواست از برایش منظور گردیده در صورت رد دادخواست طبق ماده ۱۶ هم همیشه میتواند تجدید دادخواست بنماید .

پس همان چیزی که ایجاب نموده قانونگذار